

تئاتر ژاپونی

«نو، کیوگن، کابوکی»

درام «نو»

از آئینها و نمایشهای دو مذهب بودائی و شینتومی در ادوار تاریخی «نارا» (۷۹۴-۷۱۰ میلادی) و «هی» (Hei) (۱۱۸۵-۷۹۴ میلادی) (۱) تئاتر ژاپنی پدید آمد. در پایان سده چهاردهم میلادی، که پس از سالها آشوب و نبرد، آشتی و آرامش در ژاپن برقرار شد، دو نوع «درام» در ژاپن رواج یافت و رو بکمال گذاشت: یکی از ایندو، «نسو» Nô و دیگری «کیوگن» Kyôgen بود. منشاء اصلی این دو نوع درام، رقص ساده‌ای بنام «ساراگاکو» Saragako بود که بهنگام جشنهای مذهبی در پرستشگاه‌های پیروان بودا و شینتو انجام می‌گرفت. گفتگو و اطوار و حرکات خنده‌آور، عناصر اصلی «ساراگاکو» بشمار می‌آمد. پس از یکچند، رقص «ساراگاکو» تحول پذیرفت و تجزیه شد: رقصها و نمایشهای حماسی و رثائی بصورت درام «نو» و نمایشهای خنده‌آور و سبک بشکل «کیوگن» درآمد. درام «نو» بکوشش هنر پیشه جوانی بنام «زه‌آمی» Zeami در اواخر قرن چهاردهم بکمال رسید. «زه‌آمی» هنرمندی نامور و صاحب نظری بلند پایه بود. در قرون بعد، «شگون» ها (سرداران سپاه که بیش از امپراتور قدرت داشتند) پیش از دیگر طبقات مردم، به «نو» دلبنده شدند و از آن حمایت کردند. بدینگونه «نو» از سایر نمایشهای عامیانه جدا شد و خاص برگزیدگان گشت. از آن زمان باز، درام «نو» بعنوان نمونه تئاتر کلاسیک ژاپنی شناخته شده است. *مطالعات فرنگی*

«نو» اصلاً یکنوع تراژدی همراه با رقص است و در آن بازیگران محدودی شرکت می‌کنند که عبارتند از: «شیته» Shite (بازیگر اصلی) که مرد یا زنست که همواره نقابی بر چهره می‌گذارد؛ «واکی» Waki (بازیگر دوم) و دو یا سه «تسوره» Tsure که تابع «شیته» یا «واکی» هستند. یک دسته آواز خوان مرکب از دوازده تن، پاره‌ای از قسمت‌های متن نمایشنامه را که به توصیف موضوع اختصاص دارد، با آواز می‌خوانند یا بیان می‌کنند، اما هیچگاه با بازیگر وارد گفتگو نمی‌شوند. نوای یک نی لبک و سه ساز ضربی، نمایش را

۱- ادوار تاریخ ژاپن از این قرار است: «نارا» (۷۹۴-۷۱۰)، «هی»

(۱۱۸۵-۷۹۴)، «کاماگورا» Kamakura (۱۳۳۳-۱۱۸۵)، «موروماچی»

Muromachi (۱۵۶۸-۱۳۳۳)، مومویاما Momoyama (۱۶۰۰-۱۵۶۸)،

«توکوکاوا» Tokugawa (۱۸۶۸-۱۶۰۰)، «میجی» Meiji (۱۹۱۲-۱۸۶۸)

همراهی می کند. صحنه نمایش نیز بسیار ساده و بی پیرایه است. صحنه اصلی، چهار گوشه ای بضلع ۶ متر است. برای نوازندگان آهنکها و دسته آوازه خوان، صحنه های اضافی در کنار و پشت صحنه اصلی تعبیه می شود. بازیگران بوسیله راهروئی بدرازای ۱۵ متر بصحنه اصلی درمی آیند یا از آن بیرون می روند. تنظیم و تهیه صحنه ها با آنکه بسادگی انجام می گیرد، اما مستلزم هزینه های سنگین است، زیرا وقت می شود که چوب در و دیوار کف صحنه ها صیقل یافته باشد و زیبایی طبیعی آن نمایان گردد. تنها زیور صحنه اصلی، نقش درخت کاجی است که بسروی دیوار پشت صحنه دیده می شود. در طول راهرو نیز سه کاج کوچک بفواصل برابر کاشته می شود. افزاری که همیشه در درام «نو» باید بکار رود، بادزن است. تنها مایه تجمل درام نیز جامه های بازیگران است که نقشهای گوناگون و پیچیده، اما رنگهای روشن و ملایم دارد.

نقابی که «شیته» یا بازیگر اول بر چهره می گذارد، باید بدقت و ظرافت ساخته شود تا بازیگر بتواند از زیر آن، با حرکات چهره، حالات گوناگون روحی را مجسم کند. نقابهایی که در قرن پانزدهم میلادی ساخته شده، از بهترین انواع نقاب درام «نو» است و هنوز بکار برده می شود.

بازی هنرپیشگان تابع قواعد سخت و دقیقی است و شامل ۳۰ حالت (Position)، نظیر حالات پنجگانه با در بالک اروپا میست. مثلاً بازیگری يك یا دو دستش را بالای آورد و نزدیک دیدگان خود ببحرکت نگه میدارد؛ این حالت گریستن است. اصولاً بازی «نو» هیچگاه نباید باحال طبیعی مطابق باشد، بلکه «باید از حدود حرکات طبیعی در گذرد تا بپایگاه عالی هنر طبیعی برسد.» در واقع می توان اساس بازی درام «نو» را باصوالت شیوه سمبولیسم هنر اروپائی نزدیک دانست. *رساله جامع علوم انسانی*

زن در درام «نو» شرکت ندارد و مردان، با تعویض قیافه و لباس، بجای آنان بازی می کنند و عجب آنست که گفتگو را با همان صدای طبیعی و مردانه خود انجام می دهند. نمونه يك درام «نو» بطور ساده چنین است:

در پرده نخست «واکی» (بازیگر دوم) که غالباً یکی از پیشوایان دین بود است، برای «شیته» (بازیگر اول) داستان جنگجویان عاشق یا کودکی را باز می گوید که در حادثه غم انگیزی کشته شده است و از او درخواست می کند تا برای آرامش روان مرده دعائی بخواند. در پرده دوم «شیته» بصورت همان جنگجو یا زن عاشق یا مادر کودک ظاهر می شود و بیاری رقص، چگونگی کشته شدن یا حالت روحی خود را بیان می کند. در این پرده، «شیته» یا بصورت

نخستین خود باقی می ماند ، که روانش بر اثر ادعیهٔ پیشوای دین آرام می گیرد و با بشکل اهریمنی در می آید که «واکی» بر او چیره می شود. روح اصلی نمایشنامه ، همان عقیدهٔ بودایی «ناپایداری زندگی» Vanitas vanitatum است. و اما مضمون نمایشنامه ها ، ستایش خدایان و سرگذشت جنگجویان و عشقهای بد فرجام و افسانه های محلی است . متن هر نمایشنامه مشحون از اشارات و کنایات بیشمار بداستانها و اشعار کهن ژاپنی و چینی است و همین امر ، ترجمهٔ آنها را بزبانهای بیگانه محال می گرداند . بازی هر نمایشنامه ۳۰ تا ۴۵ دقیقه طول می کشد . رقصهای درام با حرکت بسیار آرامی انجام می گیرد و هیچ شباهتی با باله و رقصهای اروپایی ندارد . مثلاً در نمایشنامهٔ «دوجوجی» Dojoji ، یکی از نمونه های برجستهٔ درام «نو» است ، رقص بوسیلهٔ «شیته» (بازیگر اول) صورت می گیرد که ۴۵ دقیقه بطول می انجامد . در طی این ۴۵ دقیقه ، «شیته» فقط یکبار پیرامون صحنه را می پیماید و نوای طبل، حرکات او را همراهی می کند .

درام کیوگن

«کیوگن» یکنوع کمدی سبک (Comédie farce) است که پس از نمایش «نو» اجرا می شود . زمانیکه «نو» اعتبار خود را از نظر عامه از دست می داد (تقریباً ۱۵۰ سال پس از «زه آمی») «کیوگن» بعد کمال خود رسیده بود . در آن زمان آشوب و نفاقهای داخلی دوباره در ژاپن آغاز شده بود . پیکارهای دائم میان «فئودال» های بزرگ و قیامهای پیایی روستائیان و رشد طبقهٔ شهرنشین، که از مشخصات برجستهٔ تاریخ ژاپن در قرن شانزدهم است ، همواره آرامش زندگی سادهٔ مردم این سرزمین را برهم می زد . درام «کیوگن» که در این دوره رونق و رواج بسزائی یافته بود ، قهراً خصائص اجتماع ژاپن آن زمان ، خاصه بیداری و هشیاری مردم ستندیده و تهیدست را منعکس می کرد و از این رو پیش از پیش قبول عام می یافت. اما اقتدار و ثبات نظام ملوک الطوائفی از رواج و پیشرفت این درام جلوگیری کرد و آنرا مانند «نو» از نمایشهای عامیانه جدا ساخت. «کیوگن» رنگ و مایهٔ مردم پسند دیرین را از دست داد و براه ارضای ذوق کهتران و برگزیدگان کشیده شد . از آن پس «نو» و «کیوگن» همیشه باهم بازی می شد ، اما «کیوگن» سبک تر و پست تر از «نو» بشمار می آید و غرض از نمایش آن، دفع ملالی بود که بر اثر نمایشهای سنگین «نو» در بینندگان پدید آمده بود .

موسیقی و آواز گروهی در «کیوگن» وجود ندارد . بازیگر بندرت نقاب بر چهره می گذارد . نمایشنامه ها غالباً شرح زندگی خنده آور خانهای

ساده دل و کوتاه بینی است که از خادمان نیرنگباز و زنان ستیزه جو و سوداگران سود پرست، غدر و وهن می بینند. در نمایش «چادر نماز» (که متن آن بعنوان نمونه ای از درام «کیوگن» در پایان مقاله نقل میشود) کلیات باطمینان و بطور مقطع ادا می شود. خطوط چهره بازیگر نیز با آرامی تغییر می کند، حتی بهنگام بروز فاجعه. از اینرو نمایشنامه با آنکه بسیار کوتاه است، بیست دقیقه طول می کشد. این کندی و آهستگی بازی و حرکات، کندی را خنده آورتر می کند.

کابوکی

در تاریخ ژاپن، قرون شانزدهم و هفدهم میلادی، دوره رستاخیز هنری است. در این عصر چون نمایشهای «نو» و «کیوگن» با خواستهای عامه مردم ناسازگار شد و مایه سرگرمی و بهره مندی اشراف گشت، هنرمندان تهیدست که با مردم دمساز و از شادی و رنج ایشان آگاه بودند، بر آن شدند که انواع تازه ای از درام، موافق با آرزوها و نیازهای اکثریت مردم پدید آورند: درام های «کابوکی» و «جو-جوری» Jojuri پدید آورده همین شوق و کوشش هنرمندان ژاپنی در آن زمان است.

«کابوکی» تنها نوع درام ژاپنی است که پیش از پیش به درام اروپائی نزدیک می شود. موسیقی و رقص و گفتگوهی در «کابوکی» جمع است و آنرا به ابرای اروپائی همانند می سازد. اگر سادگی و آرامش از خصائص ممتاز درام «نو» بشمار می آید، شکوه و زیور و جنب و جوش شناساننده «کابوکی» است. نمایشنامه ها بنظم یا بنثر موزون و مسجع نوشته می شود. آواز گروهی در درام «کابوکی» رابطه میان بازیگر و بیننده است، یا این معنی که وقایع نمایشنامه را برای ایشان شرح و تفسیر می کند. موسیقی هیچگاه با حرکات و کارهای بازیگران همراه نیست، بلکه ذهن بینندگان را برای وقایع آینده آماده می سازد. اگر درام «نو» در نیایش خدایان و ستایش دلاوران افسانه ای ساخته شده است، «کابوکی» به بیان دشواریهای زندگی و آرزوهای مردم عادی اعتنا دارد. پایه گزار درام «کابوکی» را رقاصه یکی از معابد پیروان شینتو بنام «او کونی» Okouni می پندارند که در اواخر قرن شانزدهم میلادی در شهر «کیوتو» می زیسته است. نمایشهای این درام در آغاز در هوای آزاد انجام می گرفت و بازیگران آن همه زن بودند. اما پس از آنکه در قرن هفدهم شرکت زنان در نمایش مخالف با اخلاق و ممنوع شناخته شد، مردان جای آنان را گرفتند. پس از انقلاب ۱۸۶۸، زنان کوشیدند تا دوباره مقام پیشین خود را در درام کابوکی بازیابند، اما کوششهای ایشان با ناکامی روبرو شد. و اما



خروج از صحنه در درام کابوکی

حفظ تناسب و حرکات، بدانگونه که در این عکس دیده میشود،
از عهد هریازیکر «کابوکی» برنی آید.

درام «جوجوری» در اصل، بافسانه ها و داستانهای منظوم اختصاص داشت. همراه بانمایش، ساز «شامی سن» Shamissen که به گیتار شبیه است و سه زه دارد، نواخته می شد. در نخستین سالهای قرن هفدهم، «جوجوری» بانمایشهای خیمه شب بازی در آمیخت و نوع تازه ای از تئاتر عامیانه بنام «جوجوری نینگیو» Ningyo پدید آمد. در این نمایش، آواز و گفتار، حرکات عروسک ها را همراهی می کند. «جوجوری نینگیو» یک زمان چنان رونق و اعتباری یافت که نویسندگان بزرگ برای آن نمایشنامه نوشتند.

از چهل سال پیش، در کنار درام های «نو» و «کیو گن» و «کابو کی» و «جوجوری»، درام نوع اروپایی آهسته پیشرفت می کند.

حمید عنایت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی علوم انسانی